

# مدنیت

(۳)

اقتباس از آثار پروفسور  
رابن سن امریکائی

ولی این اختراع و انکشاف یا اصلاح وقتی جزو مدنیت می‌گردد که از طرف جامعه قبول و در اعمال و افکار عموم جاییدا کند. تاریخ عالم شاهد است که در قبول امری جدید با آنکه حق بوده و حقیقت داشته‌موانع و مشکلات بسیاری پیش آمده اعتراضها و مخالفتها وارد گشته. عالم بشریت در ایجاد و انکشاف و اصلاح رهین افراد بوده ولی تاثیر ایجاد بر مدنیت منحصر است بتوافق جامعه و ازین جهت قبول و نشر هر ایجادى زمينه قابل و مساعد می‌خواهد. لذا بسیاری از ایجاد، کشفیات علمی سالها نارواج و معطل ماندند تا آنکه مرور زمان یا تبدیل مکان محیطی مناسب و موزون از بهر آن تهیه نموده.

شاید تشابه احوال و احتیاج سبب از ایجاد يك چیز در نقاط مختلفه عالم بدون معاونت و تقلید یکدیگر گشته باشد. اما از طرفی این امکان نزدیک بمحال و از طرف دیگر اشکال حائل درین اختراع و قبول آن که در فوق مذکور شد ظاهر سازد که اکثر ایجادات بواسطه مسافرنهای متنوع از قبیل مسافرت تجار، فانیین، کشور کشایان و بالاخره مبلغین و حجاج و زوار از جائی بجائی نقل و بسائر نقاط دور دست عالم رسیده است چه قبول و ترویج اختراعی در يك نقطه سبب سهولت ترویج آن در سائر نقاط می شود.

تاثیرات کشف یا آله جدید بهمان اشیا و امور که نخست بآنها تطبیق مییابد محدود و منحصر نبوده. چه کم و کیف اثر آن بر حیات بشر در آغاز کشف

مجهول بوده و نمیتوان سنجید که تا کجاها دخیل خواهد گشت. آتش نان را طبع و ظروف گلین را بخته نماید انسان را در سردی زمستان گرم نگه دارد فلزات را نرم سازد و بکدازد و حیوانات موزی را نرم دهد در شب نار مشعل هدایت گردد قربانی را در برابر بت سوخته برده ناریک جهل بروی عقل نورانی بر کشد. در آتشکده مغان معبود باطل گردد بنام ویستاد و شیزگان را مجاور و پرستار خویش نماید گذشته ازینها بواسطه تشبیه و استعاره شعله آواز شعرا، خطبا و ادبای بلند نماید. القصه گاهی که مطیع و منقاد بشر شود سرمایه عمران و ترقی گردد و گاه که اخگری از ان زبان بر کشد مدینت هزار ساله را در یکدم خاک و خاکستر سازد. آمدن اسپ، بومی های امریکای شمالی را زبر و زبر ساخت. ورود اسلحه ناریه و میکرده حیات حبشیهای افریقا را در خطر انداخت ایجاد ماشین بخار، طرق و شوارع، حمل و نقل مال التجاره و بالاخره مسافرت انسان را بکلی بدل نمود. حیات شهری را ترقی داد و عقائد نازه در اقوام بشری روی کار آورد. ایجاد لباس در عالم مادیات که از کتان، پشم، پنبه، ابریشم و پوست تهیه میشود نه تنها سبب علم و ترقی و صنعتهای بزرگ گردید بلکه انسان را ملتفت بتفریق انواع لباس و صنعتها بواسطه آن صنوف مختلفه هیئت اجتماعی را دسته بندی نمود و هر صنفی بنوع لباس خود از صنف دیگر امتیاز یافت.

نظر باین حقائق اموری که بنام عواطف عالیه و کارنامه های بزرگ بشر شهرت یافته از قبیل صنایع نفیسه، ادبیات فلسفه و غیره همه را با ایجادات و انکشافات ارتباط بلکه امتزاجی است کلی که جز بتصور در ذهن از هم تفکیک نمیتوان نمود. پس تفریق مادیات و روحیات از هم طوریکه قدما پنداشته اند با عدم امتزاج

امور دینی با امور دنیوی چنانکه اهالی اروپا می پندارند چیزی است و همی و خارج از حقیقت چه این ارتباط و امتزاج بمنابہ ایست که در دستگاہ حیات ایجاد و انکشاف بمنزلہ نارودیانیت ، روحانیت علم و ادب بمنزلہ یوداست که از نسج درین هم رخت مدنیت بوجود آمده و این مدعا در مبحث آتی ( قول فعل ) بیشتر واضح خواهد گردید .

### عالم طفولیت و تأثیر آن بر حفظ تمدن

یکی از بواعث لازمی دوام مدنیت امتداد زمان طفولیت است که درین عهد طفل ازنی تمیزی و ضعف نمیتواند احتیاجات خود را مانند موالید سائر حیوانات خود تهیه کند و این ضعف و عجز از تحصیل احتیاجات ، خاصه اطفال بشر است چه چوچه سائر حیوانات پس از تولد در تحصیل لوازم حیات چندانی محتاج بامداد غیر نبوده . همین بشر است که مدت درازی از ایام طفلی محتاج غیر بوده و بدون امداد مسلسل دیگری گامی را از مراحل حیات نمیتواند به پشاید بلکه از فرط ناتوانی و بیچاره گی خود قدرت آن را ندارد که از تحت تأثیر محیط برآمده و صورتی غیر از آن برای خود اختیار نماید بنا بر اسباب فوق ممکن است تغییرات زیادی در طبیعت او عاید گردد .

### رتال جامع علوم انسانی

پس طول مدت طفولیت یکی از آن خصایص بشر است که بواسطه آن مدنیت را ارتقا و انشا و بالاخره حفظ و انتقال داده میتواند . همه ما هنگام تولد غیر مدنی بوده و می باشیم اگر در بحر مدنیت مستغرق نمی بودیم البته تا آخر غیر متمدن میماندیم ولی ایام طولانی طفولیت مدنی کافیتست که تا انجام آن طرح افکار عادات ، اخلاق ، رسوم ، آداب و اطوار ما بدون اراده و خواهش ما مطابق بمولد و مسقط الراس ما ریخته شود و یا بقلب درست و صحیح چینی یا فرانسوی یا جاپانی

و امریکائی و غیره برابر و موافق گردیم ، درین خصوص برای ما مجال انتخاب نیست که بکدام زبان تکلم نمائیم .

ما هر کار را از مردمانی که درین آنها پرورش میدیایم یاد میگیریم و هم یاد گرفتن ما بر نهج اجرای آنهاست . از قبول رسم و رواج مأمور به و منهی عنه آنها چاره نداریم چه آنها پیش از اهلیت ما با انتخاب و رسیدن بعقل و رشد بر ما استیلا می یابند ناچاریم که طریق آبی خود را جبراً و قهراً اختیار نمائیم همچنین آبی ما هم یکوقتی در عالم طفولیت میزیستند بدون قیاس و ترجیح مدنیت خود را از اسلاف خود کسب نموده اند این قاعده مستمر و غیر متبدل است و در آن بسیاری از خصائص برجسته مدنیت ظهور کرده است . از آنجا که اکتساب مدنیت بخصائص عهد طفولیت از قبیل تبعیت تأثر پذیری و انفعال کارانه يك ارتباط کلی را مالك است ، بنابراین جای تعجب نیست نتیجه ئیکه از تحقیقات حاصل میشود . همان است که در اثر تکامل قوای جسمانی ، از دیاد علم و نمو بی نهایت سست گردیده بلکه در بعضی موارد بانسداد نزدیک میشود و اکثر اشخاص جزو اعظم علم و نائیرات و احتیاط کاری ها و نظریه های عمومی و آراء راجع باشخاص و موجودات الو جامعه را بسن ۱۳ - ۱۴ فراهم می آورند و نادم و افسین جز از تبدلات اندک همه را حفظ می نمایند .

چون هنگام اشتراك جماهير متحده امریکا در حرب عمومی ، در اثر ایجاب احتیاجات ، از بهر انتخاب صاحب منصبان نظامی از ۷۰۰۰۰۰ جوانان آن مملکت امتحان ذکاوت گرفته شد . گفته میتوانیم که از امتحان مذکور نتایج غیر متوقعه قیمتدار بدست آمد چه هر چند که جمیع این عده متضمن اشخاصی بود که در بین اقران خود بدارائیت عقل و شعور معروف بودند . باز هم در صد

۴۵ نفر از آنها دارای چنین ذکاوتی بودند که معیار آن متساوی اوسط ذکاوت اشخاصی بود که عمرشان از سن (۱۲) تجاوز نکرده باشد. و هر چند بیکه امتحانات ذکاوت آنقدرها نیست که کفیل نتایج قطعی گردد ولی تصدیق این مشاهده مینماید که تحصیل با نشو و نماهای جسمانی خصوص به تبدلات حصه پیش روی مغز مربوط است و این تبدلات در اشخاص عادی از عهد طفولیت تا بلوغ نهایت زیاد میباشد.

تنها در اشخاص فوق العاده ارتقای عقل بعد از طی منازل صبی و بلوغ دوام مینماید، ورنه قبل از سن سیزده همه ما از بزرگان خود احساس و عواطف اخذ معلومات کسب عقائد و آرای متنوعه مذهب اخلاق و اطوار را قبول، و زشت یا زیبا دیدن چیزها را بتقلید از آنان زشت و زیبا میدانیم، از آن بیعد عموم نوع بشر بمرور زمان چابک دستی یاد می گیرند و مهارت کسب مینمایند ولی افکار و آرائی عهد طفلی مدت حیات دوام می پذیرد، چه نه خود شخص به تبدیل افکار میل دارد و نه جامعه باو اجازه میدهد لهذا هر چند بنا بر تجربه و مشاهده در سنین متطاوول تطبیقات جزوای انما نینهم اکثر انما یذکرون نجدید نظر همچنان قبول کرده میرویم انسان بآرتهائی تابع عادات میشود عادات هم تا سن بلوغ راسخ میگردد تا گفته نماند که بعد از بلوغ هم در استعداد کسب معلومات با نقصان بسیار کم رو میدهد.

متخصصین فن اشتهار و ناشرین اخبار و اشخاص برویاکنندی و اهل صحافت دریافته اند که هر چیز که برای طفل دوازده سیزده ساله مؤثر ثابت میشود همان چیز در عقل و ذوق عموم بشری نهایت مناسب می افتد، بعبارة اخری غالب نوع بشر کوائف معتاد مدنی عادی و موجود در محیط را در عهد صبی جذب و قبول مینمایند از آن بیعد يك قدم هم بیرون نمی نهند، شاید در صد يك نفر پیدا شود که از مطالعه

مسلول و مشاهده عمیق در تربیه و نظر در ادب و صنعت و تدقیق در علم و فن تبدیل  
 رأی نماید ولی اینهمه را جمع بمدنیت شخصی است و مزایای آن، اما عموم عالم بشریت  
 بحال سابق خود می ماند گذشته از ترقی حقیقه دوام مدنیت پیچ در پیچ هم بر عده  
 قلیلی همیشه منحصر بوده و میباشد درینصورت اگر اتفاقاً چند هزار طفل شیرخوار  
 هوشمند از ممالک مختلفه عالم راه عدم پیش گیرند ترقی عروج آن چه که جاده کوییده  
 حرقت ادب و علم منقطع بلکه انحطاط عمومی آغاز خواهد شد زیرا کس نخواهد ماند  
 که تطبیقات و تبدلات لازمه نماید یا کتابخانه و دستگاہ عملیات و تجربه را  
 چنانکه باید نگاه دارد. غالب اشخاص با تمام سعی و کوشش  
 مدنیت کنونی را مشکل حفظ میتوانند نوابغ موجدین و مخترعین هم از زنجیر اعتبار  
 و قبول افکار و اوہام جامعه بکلی رهائی نیابند چه این زنجیر را سلسله مواع  
 نه پندارند بلکه ذریعه تسلی و جای اعتماد تصور می نمایند طبیعت ما هم چنان است  
 که در بعضی احوال مناسب جرأت انتقاد بر اقوال معلمین پیدا میکند و در اثر  
 تفحص زیاد مطالعه طولانی غلطی جزوی در آن کشف می نماید، شاید دانشمندی  
 را جمع به ترکیب جوهر فرد نظر به جدیدی ارائه کند ولی اوہامی که از عهد صبی بدهنش  
 راسخ گشته و افسانه هائی که در طفلی از پیره زبان شنیده و صحیح پنداشته کجا  
 از خاطرش فراموش میشود.

زمان جامع علوم انسانی

وقتی بر نکات فوق تأمل نمائیم مقابله فرد و جامعه شکل نوینی اختیار می کند  
 - از نقطه نظر مدنیت هر فرد تمام لوازم مدنی را از دیگران اخذ کرده ازینجهت  
 اگر جنبه حیوانیت را در انسان زیر نظر گیریم باز هم عادات عواطف، حسیات،  
 تاثرات و حالات او از اثر بنی نوع تبدیل عظیمی یافته است نفسیات او هم به تحت تاثرات  
 جامعه تغییر پذیرفته است و دیگران او را بمثل خود تربیه نموده اند - ضعف کلی  
 ایام طفلی او را از هر حیث محتاج دیگران گردانیده عادت طبقه بندی و اجتماع را  
 در او بودیعت نهاده است.

تا تمام